

زندگی

موانع عرفی برای ازدواج مجدد یا ازدواج در سنین بالاتر

تبعیض سنی برای ازدواج

سارا مؤمنی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه



همیشه وقتی درباره «ازدواج» حرف می‌زنیم، تصویر یک دختر و پسر «مجرد» و «جوان» به ذهنمان می‌آید. در واقع ازدواج را متعلق به افراد مجردی می‌دانیم که جوان هستند. این یعنی فردی که یکبار ازدواج کرده، طلاق گرفته و حالا دوباره می‌خواهد ازدواج کند، در ذهن ما آن تصویر ایده‌آل از ازدواج را نمی‌دهد. یا فردی که هنوز مجرد است، اما در سنین میانسالی است و تصمیم به ازدواج دارد، در ذهن کلیشه‌ساز ما یک فرد شکست خورده در امر ازدواج است و اصطلاحاً دیگر برای او دیر شده است. یا سالخورده‌ای که پس از سال‌ها کار و تلاش و تربیت فرزند، حالا در موقعیتی است که همسرش درگذشته و می‌خواهد ازدواج کند، ذهن قضاوت‌گر ما دست به تمسخر زده و باعث می‌شود ناخواسته به او بخندیم.

ما فراموش کرده‌ایم که جامعه فقط از جوانان مجرد تشکیل نشده و فراموش کرده‌ایم که بخش قابل توجهی از جامعه را افرادی تشکیل می‌دهند که با ازدواج کرده‌اند و از همسرشان جدا شده‌اند یا همسرشان فوت شده یا مجرد میانسال هستند یا سالخورده‌ای تنها هستند. آیا این بخش قابل توجه از جامعه نباید برای ادامه زندگی خود، ازدواج را انتخاب کنند؟ آیا نهاد خانواده را فقط کسانی باید تشکیل دهند که مجرد و جوان هستند؟ قطعاً جامعه‌ای که بخش قابل توجهی از افرادش را کسانی تشکیل می‌دهد که بالاتر گفتم، به خانواده به عنوان نهاد هسته‌ای اش در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی نیاز دارد نه افرادی که به خاطر کلیشه‌های ذهنی غلط و عرف اشتباه مجبورند تا پایان عمرشان، تنهایی را انتخاب کنند.

ازدواج با مطلقه؟ با اجازه بزرگترها، بله

چند سال پیش یکی از دوستانم پس از حدود ۱۰ سال زندگی مشترک با همسرش، از او جدا شد. پس از گذراندن روزهای سخت و پرتلاطم بعد از طلاق، شروع به خودسازی کرد، سرکار رفت و مستقل شد.

اما همیشه تشکیل خانواده برایش مسأله و اولویت بود. تصمیم به ازدواج با آقایی گرفت که او هم طلاق گرفته بود و فرزند داشت. نگرانی و اضطراب او از این تصمیم بابت تصور و نگاه والدینش و بعدتر حرف و حدیث دوست و آشنا، باعث

می‌شد مدام این تصمیم را عقب بیندازد. مادری کردن دوست من برای بچه‌اش آن‌قدر مسأله نگران‌کننده دیگری بود که ممکن بود اثرات روحی جبران‌ناپذیری هم روی دوست من و هم روی آن کودک بگذارد.

بله، ساختن یک زندگی مشترک برای بار دوم، به اندازه ساختن زندگی مشترک اول و یا حتی انتخاب مجردی، دردسر، مشکل و مسأله دارد؛ اما آیا بار این مسائل باید به قدری باشد که افراد ناخواسته و در جبر، مدام تصمیم‌شان را عقب بیندازند و لحظات و روزها و سال‌های زندگی را در تنهایی بگذرانند؟ و آیا جامعه با چنین افرادی به رشد، تربیت و آرامش خواهد رسید؟ قطعاً خیر.

در کنار این مورد یکی از آشنایان را مثال می‌زنم که دختری مطلقه بود و هرخواستگاری از این ماجرا باخبر می‌شد، به دلیل همان کلیشه‌های ذهنی برآمده از یک عرف اشتباه، از تصمیم ادامه خواستگاری خود منصرف می‌شد. در نهایت فردی آمد و علاقه‌ای میان آنها پیش آمد که برای آن‌ها، ازدواج و تشکیل خانواده را در اولویت قرار داد. سال گذشته هم فرزندشان به دنیا آمد.

خواستیم بگویم اگرچه هر مرحله‌ای از زندگی، از مجردی و ازدواج گرفته تا طلاق و ازدواج مجدد، سختی‌ها و مسائل خودش را دارد و هیچ مرحله‌ای در دیگری راحت‌تر نیست؛ اما در میان آن‌ها، جنس مسائل و مشکلات ازدواج و تشکیل خانواده، در مسیر رشد انسان و جامعه است و آنجایی که عرف جلوی پیش را می‌گیرد، باید مقابلش ایستاد.

ازدواج در میانسالی؟ حتماً

همه برای دختر و پسر جوانی که زمان ازدواج‌شان رسیده در تلاش و تکاپو هستند که آنها به مرحله ازدواج، تأهل و تشکیل خانواده برسند؛ اما نسبت به فردی که یکبار ازدواج کرده و به هردلیلی ازدواج او تمام شده، نه تنها چنین تلاشی ندارند، بلکه به اشتباه مانع ازدواج او می‌شوند. برخی افراد به دلایل مختلف و در زمانی که فرزندانشان در سنین کودکی یا نوجوانی و جوانی هستند، همسر خود را از دست می‌دهند و پس از آن به دلیل بار فکری که عرف روی

ساختن یک زندگی مشترک برای بار دوم، به اندازه ساختن زندگی مشترک اول و یا حتی انتخاب مجردی دردسر، مشکل و مسأله دارد

